

روش تحصیل رسائل - مکاسب

استاد ارجمند و گرامی بغدادی

ویراستار: ابوالفضل عابدی



فهرست

در مورد مکاسب.....	۱
جایگاه هدف در خواندن رسایل و مکاسب.....	۱
لزوم تعریف کردن یک مسیر اجتهادی برای خود.....	۱
رسیدن به فقاہت، هدف از فقه خوانی.....	۱
قدم اول:.....	۲
قدم دوم:.....	۲
قدم سوم:.....	۲
قدم چهارم:.....	۳
معرفی_کتاب.....	۸
در مورد رسائل:.....	۹
معرفی_کتاب.....	۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

روش تحصیل رسائل مکاسب، استاد بغدادی

در مورد مکاسب

جایگاه هدف در خواندن رسائل و مکاسب

هدف شما، خیلی در نحوه (رسائل، مکاسب) خواندن تاثیر میگذارد. هر چه مسیرتان شفاف تر باشد، روی خواندن رسائل و مکاسب تاثیر بیشتری می گذارد. برای اینکه هویت اجتهاد و فقاقت براتان روشن شود اگر روی صحبت های آقا تمرکز کنید خیلی خیلی چیزهای خوبی دستتان می آید که اصلاً ایشان فقاقت و اجتهاد رو به چه می گویند؟ کارکردهای امروزی آن چیست؟ و چطوری می توان به آن رسید؟ یک تقریر امروزی درباره اجتهاد، کارکردهای اجتهاد، و شیوه مجتهد شدن می کنند. من همین الان میتونم ۴۰۰ صفحه از صحبت های آقا در این مورد اجتهاد بدم. (پرونده اجتهاد)

لزوم تعریف کردن یک مسیر اجتهادی برای خود

کسی که بخواهد مجتهد بشود، باید یک مسیر اجتهادی برای خودش تعریف کند. نباید فریب برنامه موجود درسی را بخورد. برنامه موجود درسی قطعاً لازم است ولی اصلاً کافی نیست. باید هدف محور پیش بروید نه فعالیت محور. نگید همین که من میرم سر کلاس این چهار تا خط رو میخونم پس من دیگه تو را هستم نه! باید ببینیم این هدف چی بود؟ مثلاً به قوه اجتهاد برسیم. باید قشنگ برات معلوم بشود که اینکار مکاسب خواندن چطور دارد تو را به آن هدف نزدیک می کند. هزار پله باید تا اجتهاد طی کنید، مثلاً باید بدونین ۴۰۰ تا پله اش باید تو مکاسب حاصل بشود. خود مکاسب خواندن موضوعیت ندارد، تو باید این پله ها را بشناسید و اینکه در کجا باید طی کنی و چینش آن چطوری هست اگر صحبت های آقا را خوب کار کنید چیزهای غنی ای دستتون میاد و میفهمید به کجاها باید برسید. از این حالت فعالیت محور بیایید بیرون و هدف محور شوید.

رسیدن به فقاقت، هدف از فقه خوانی

ببینید ما در نهایت، در فقه می خواهیم به فقاقت برسیم که فقاقت یعنی روش فهم دین ببینید مثلاً تو مکاسب داره استدلال می شود که فلان چیز حرام است. خوب این استدلال ها برای ما خیلی موضوعیت نداره، بله مهم است ولی مهم تر از آن، که قرار است از مکاتب یاد بگیریم، این است که یک مسئله برای شیخ مطرح است و ایشان می خواهد نظر اسلام رو کشف کند. میخواد بگه اگر اهل بیت بودن، فلان جواب رو میدادن. حالا تو باید ببینیم چه کار می کند؟ تو باید بفهمی شیخ چطور داره این نظر رو درمیاره؟ جایگاه روایات در استنباط کجاست؟ نسبتش با عقل چی هست؟ و همچنین اجماع. چرا اینقدر بفهم فقهای قبل خودش اهمیت می دهد؟ و ... حالا چطوری باید به این برسیم؟ اولاً قبلاً هم گفتیم که در لمعه باید تمرین می کردید که

چطوری از کتاب یک فقیه به شیوه فقاہت آن فقید برسیم. حالا اگه بخوایم قدم به قدم و عملیاتی صحبت کنیم:

قدم اول:

باید تمرکز توان روی انس با مکاسب باشد در رسایل هم همینطور. یعنی کلاً با یک کتاب جدید که آشنا میشدید توی چند روز اول باید ببینید طرف چطوری صحبت می کند و چه طوری می نویسد. خلاصه باهاش راحت باشید. حالا این ممکنه توی یک هفته حاصل بشود یا یک ماه یا یک ترم. پیش مطالعه و پیش مباحثه این جا خیلی مهم می شود به خودتون سعی کنید متن رسائل و مکاسب را آرام آرام بفهمید. پیش مطالعه و پیش مبارزه بدون اینکه رجوی به حاشیه و شرحی داشته باشید خیلی در این مرحله مهم است.

قدم دوم:

آرام آرام بتوانید این متن را تحلیل کنید. یعنی دیگه قشنگ میتوانید بفهمید چی داره میگه یعنی "چی گفته شد" دیگه برام مشکلی نیست بلکه "چگونه گفتنش" برام مهم است. یکی میگفت من این پاراگراف مکاسب را میفهمم، اینم میفهمم، بعدیشم میفهمم، ولی اینکه چه ربطی داره رو نمیفهمم. خلاصه اینکه: مثل یک زنجیر بتونید سر بحث را بگیرید و بلند کنید و پیوستگی حلقات زنجیر را نشان بدهید یعنی به تحلیل مسیر فکر کردن شیخ پردازیم. این جا فلان را آورد، اینجا فلان را آورد، اگر نمی آورد بهتر بود؟ یا اگر فلان جا می آورد بهتر بود؟ و ... و ... این یعنی تحلیل.

قدم سوم:

آرام آرام وارد بعضی از حواشی و شروع مستقیم خود مکاسب بشوید. نکته: اینا همه با حفظ مراحل قبل است یعنی بعد یک مدت که در مرحله یک و دو راه افتادی، میگی خب اینا فهم من است و با استاد هم چک می کنم، و آرام آرام وارد شروح و حواشی مستقیم مکاسب میشوی. بعضی از حواشی توضیحی است و بعضی انتقادی. ابتدا از حاشیه های توضیحی شروع میکنیم.

نکته: حاشیه خواندن هدف نیست هدف چی هست؟

هدف این است که در نهایت نهایت، در مرحله اول، به فقاہت شیخ برسیم. مرحله اول که می گم از آن مراحل کلان است که قرار است خودتان به اجتهاد برسید.

نکته: ببینید اگر خودتون بخواهید به اجتهاد برسید، یک نظامی دارد.

چی میشه که یکی به اجتهاد میرسد؟

۱. فقاہت قله ها را بشناسد.

مثلاً ما ۱۰ تا ۱۲ تا قله در کل تاریخ فقه داریم و اینا معروف و مشهور و مرسوم هستند به اینکه واقعاً فقیه هستند و حرف خدا را می فهمند. مثلاً در فقه: شیخ طوسی، محقق حلی، علامه حلی، محقق کرکی، شهید اول، کاشف الغطا و شیخ انصاری. که در کارگاه رسائل و مکاسب روی این ها صحبت کردیم. همونایی که اونجا توضیح دادیم باید بتونید روش فهم این ها را یاد بگیرید. شیخ انصاری یکی از بزرگان قله فقاهاست که کتابش محور ماست. مرسوم است که می گویند "فهم مکاسب موضوعیت دارد" این باید درست تفسیر بشود. ما می خواهیم به فقاها شیخ برسیم اگر مرجع ضمیر در مکاسب هم پیدا می کنیم به خاطر فهم سبک فقاهاست شیخ است. پس هدف این است و ما برای این فهم سبک فقاها قله ها داریم ریز مراحل را ذکر می کنیم:

۱- انس با کتاب.

۲- چینش مراحل کتاب و تحلیل.

۳- رجوع به شروح توضیحی و انتقادی.

نکته: شروح و حواشی مستقیم مد نظر است زیرا بعضی توی درس خارج شون متن مکاسب محور بوده ولی غرض و هدف، تدریس مکاسب نبوده بلکه بهانه ای بود تا نظرات خودشان را بیان کنند.

۲. مذاق روایات.

۳. موضوع شناسی.

۴. اجتهاد در مقدمات قریبه اجتهاد مثل رجال و اصول

۵. آشنایی کاربردی با مقدمات بعیده اجتهاد مثل ادبیات و منطق و خیلی از علوم دیگه.

مثلاً شما لازم نیست در نحو مجتهد باشید ولی باید نحوه رو با رویکرد استظهاری بلد باشید.

✓ این پنج تا ستون های اصلی برای کسی است که می خواهد به اجتهاد فنی برسد.

الان تمرکز تون روی مورد اول هست یعنی فقاها قله ها. یکی از قله های اساسی خود شیخ است و رسیدن به شیوه اجتهاد شیخ. ما باید آرام آرام در فهم شیخ مجتهد شویم. خود اینکه شیخ چه می گوید داستان هاست یا مثلاً مجتهد شدن در شیوه فقاها صاحب جواهر خیلی مهم است و همچنین مابقی قله های فقاها.

قدم چهارم:

مرحله مهم بعدی این است که فرض کن ما شیخ را فهمیدیم حالا چطوری به روش فقاها شیخ برسیم کسی تا حالا توی یک نمونه به ما یاد نداده که روش فقاها این گونه است، حالا تو بیا شیخ رو یاد بگیر. یکی از دوستان سوال پرسید و استاد فرمودند: من اصراری ندارم حواشی را ببینید. حواشی را ببینید که احساس نکنید من به اینا رجوع نکردم. بعضی خیلی مکاسب را

به سمت حاشیه بازی با می برند. من خونه دل میخورم. طرف فکر میکنه با حاشیه خواندن داره فقیه میشه! بابا حاشیه خواندن لازم هست فقط بدون تو چه مسیری باید استفاده بشه. تو هدف داری. مثلاً یک فقه را بزارید برای حاشیه خواندن یا مثلاً فلان بحث را با حاشیه بخوانید. حاشیه توضیح یا حاشیه انتقادی. لزومی ندارد در همه جا به همه حواشی رجوع کنید بلکه در همه جا به همه حواشی رجوع کنید. یعنی شما به همه این ها در مجموع وجود کرده باشید نه از باب اسقاط تکلیف بلکه تا زمانی که بفهمی حاشیه فلانی این تیپی است و سبکش اینه. (#ملاک) به طوری که بعداً اگر لازم شد به فلان حاشیه رجوع کنید، قدرتش را داشته باشید و مشکلی نداشته باشید. حالا یکی با ۱۰ صفحه خواندن به این می رسد و یکی با ۵۰ صفحه خواندن. بر خلاف بعضی که حاشیه خوانی را بزرگ میکنند، این اصلاً نباید هدف شود ولی اگر از یک باب دیگر حاشیه خواندن هدف شود مشکلی ندارد.

بعضی می گویند روش شیخ تجمیع ظنونی است. بعضی می گویند انسدادی است و ... خوب حالا شما چطور باید به این بررسی؟ این یک کار جدی می خوام خواهد که شما یاد بگیرید: مولفه های موثر در کشف نظام فقهی و روش فقهات یک فقیه چیست؟ یعنی من روی چه چیز این فقیه باید متمرکز بشوم تا ببینم روش فقهاتش چه جور است؟

ببینید شیوه فقهات مثل یک کارخانه است که از یک طرف مواد خام بهش میدن و از آن طرف حکم شرعی بیرون می آید یعنی یک فرایندی طی می شود. در این فرآیند چی طی می شود؟ شما بخش عمده اش رو در علم اصول بلدید ولی تا حالا کمتر به اصول نگاه روش و شیوه فقهات داشتید. شما باید به اصول به مثابه شیوه فقهات نگاه کنید نه اصول به مثابه صد مسئله که توش باید اتخاذ مبنا کنی. این یک نگاه جزیره ای به علم اصول است. عقل در فرایند استنباط شیخ چه جایگاهی دارد؟ عقل نظری است یا عملی؟ نسبت عقل با بنای عقلا چیست؟ تنقیح مناط قیاس است؟ یا شبه قیاس؟ و سوال های دیگر. یادتون هست که میگفتم اصطیاد. شما در مکاسب هم همین کار را باید بکنید یعنی پرونده سازی و اصطیاد. شیخ هیچ وقت اینارو نگفته که من در شیوه فقهاتم عقل این جایگاه را دارد و ... و ... بلکه مثلاً به بخشش را در اصول گفته، به بخشش را در فلان بحث فقهی که خیلی هم ربطی ندارد ولی تو می بینی که می تونی نسبت عقل رو در اینجا بفهمی و شیخ داره مبنا شو در فلان جا توضیح می دهد. اینا چی نیاز دارد؟ پرونده سازی و اصطیاد؛ چشم جمع کننده این مسائل. اینجاست که اولاً باید با این موضوع آشنا باشید و بعد با نظام این موضوعات آشنا باشید. این نیاز به یک محصول پیشرفته و قوی دارد. اصول ما، اگر اصول مطلوبی بود، این شیوه فقهات به دست آوردن خیلی راحت تر بود. یعنی اصول مطلوب خودش به تو یاد می داد که چطور شیوه فقهات کسی را بدست بیاری. خلاصه اینکه با جمع این پرونده ها و قرائن بتوانید بگویید نظام فقهاتی شیخ این است. یکی از کارهای مهم این است که بیانات و مقالات

اساتیدی که در این زمینه کار کردن را ببینید و ایده بگیرید مثلاً یک آقای می گفت فقاقت شیخ ۵ مولفه دارد یکی واقع گرایی دوم اطمینان محوری و ...

از این ها یاد می گیرید که در فقاقت شیخ باید دنبال چی بگردید. به یک مقاله و دو مقاله هم اکتفا نکنید. حالا فرض کنید که به شیوه فقاقت شیخ رسید. (البته میدونید که به یک چیزی اولیه میرسید. و این کار یک ماه و دو ماه نیست بلکه پرونده بازبست که دائماً باید در روش وقت بگذارید. تابستانها هم وقت بگذارید و هی جمع کنید بعد دو سه سال می توانید به یک جمع بندی های اولیه برسید) حالا به یک جمع بندی اولیه از شیوه فقاقت شیخ رسیدی، آیا این کافی است برای مجتهد شدن؟ بعدش که چی؟ اینکه حجیت ندارد، حرف شیخ است. قدم اول این است که قبل از این که بخوای بگی من در کلام خدا و معصوم مجتهد شدم، بگی من در کلام شیخ مجتهد شدم. بعضی ها می گن شیخ اصلاً روش درست و حسابی ندارد و به چیزی از این طرف اون طرف آوردند.

خلاصه فرض کن یک جمع بندی اولیه از شیوه فقاقت شیخ رسیدی. البته این کار بزرگی است فرض کن به اینجا رسیدی و ادعات اینه که یک مسئله از یه جای دیگه مکاسب که من ندیدم، به من بدهید تا بگویم علی القاعده شیخ در این مسئله چه می گویند. تو اگر ۵۰٪ شبیه شیخ مسئله رو جواب بدی خیلی باید کلاه رو بندازی عرش، زیرا تو توانستی فکر فقهیت رو شبیه یک فقیه بکنی حالا این به چه درد ما می خورد؟ شیوه یک قله فقاقت رو یاد گرفتی بقیه اش رو دیگه میتونی آرام آرام روی غلتک بیفتی البته بهتر بود همین کار را ابتدا روی لمعه می کردی و بعدش محقق و بعد علامه. به نظرم باید اونجا این کارها را بکنی و اگر نکنی در مکاسب گیر می کنی یا مثلاً وقتی به این جمع بندی اولیه رسیدی، ۶ ماه روی "مصباح الفقاهه" آقای خویی و "بیع" امام کار کنیم و تا حدی شیوه فقاقت امام و آقای خویی را به دست بیاری. این سه تا را مقایسه اولیه بکنی. مثلاً فرض کن میگی ۶ ماه همراه این مکاسب دارم میرم (البته به یک جمع بندی اولیه از شیوه فقاقت شیخ رسیده باشیم) این دو تا رو هم می برم جلو با این رویکرد که با همان مسیری که شیوه فقاقت شیخ را به دست آوردم، شیوه فقاقت این دو را هم به دست بیارم. البته زمان کمتری میبرد بعد می توانی این سه را مقایسه کنیم بعد می توانید آنها را تکمیل کنید و نسبت این ها را با هم به دست بیاوریم اگر این رو بتونی روی ۱۰ تا از فقه های بزرگ به طور خاص شیخ طوسی، علامه، محقق کرکی، و ... خلاصه این ده تا از فقه ها با سبک های مختلف حتی یکی از اخباریون، همین حرکت را بزنی یعنی مطمئن بشوی که این سبک های مختلف و قول های مختلف فقاقت شیعه رو کار کرده باشی اگر از همان شیخ طوسی و اینا شروع کنید برای کارهای اولیه خیلی بهتر است چون راحت تر است و کمتر از آثار متاخر مولفه دارد. اگر با همان تاریخ فقه بتونید بیاید جلو خیلی بهتر است تا این که همان اول برید سراغ

امام خمینی چون اگر یهو بیای سراغ امام خیلی پر مولفه میشود. در متقدمین شیخ طوسی می درخشد و بعد شیخ طوسی تا اخباریگری سه نفر قله هستند در فقه:

۱- محقق حلی

۲- علامه حلی

۳- شهید اول

خیلی جاش بود در لمعه روی شهید اول و ثانی و محقق و علامه کار می کردید. یعنی حداقل در لمعه قبل اخباری گری را می بستید. حالا که مکاسب میخوانی خیلی خوب است بلکه به نظرم بعد از اینکه به فقاہت شیخ رسیدی قبل از اینکه سریع وارد متاخرین بشی بهترین کار این است که همان نزدیکی شیخ را بررسی کنیم، به طور خاص کاشف الغطاء، صاحب الجواهر و صاحب ریاض. انصافاً این کار راحتی نیست.

حالا اگر کسی نتوانست تو لمعه این اهداف را محقق کنه، عیب نداره تا جایی که مقدور است انجام بده. بقیه را بکشونه توی مکاسب و کارهای مکاسب رو بکشونه درس خارج عیبی ندارد و فقط طولانی تر می شود. اصرار ندارم که حتماً این باید در لمعه انجام شده ولی متناسب تر با آن فضا است. مثلاً قدماً متناسب با لمعه بوده. اینا دست نیافتنی نیست، استاد می خواهد و استفاده حداکثری از تعطیلات. کلید تعطیلات در حوزه گم شده است. با صدای رسا می گویند ۱۱۰ روز بیشتر درس نمی خوانیم یعنی ۲۵۰ روز درس نمیخونی اگر نصف آن ۲۵۰ روز را برنامه بریزید به نصف بیشترین کارها می رسید. این تجربه شده است خلاصه در کنار مکاسب بهتر است بعد از رسیدن به شیوه فقاہت شیخ، روی هم عصرهای شیخ کار کنید. مثلاً همین جواهر یکی از اساتید می فرمودند اگر شما مکاسب را مقارن و موازی با جواهر بخوانید و با تمرکز و دقت هیچ کار دیگری هم نکنید من قول میدم برای مجتهد شدن کافی باشد. اینقدر به مقارن خواندن مکاسب و رسائل تاکید دارند البته نمی خواهم بگویم اینها درسته ولی حداقل یک درس ۲ درسی حداقل ۶ ماه روی جواهر تمرکز بگذارید.

هفت تا مکاسب دارید. به تناسب میل و نیاز و چینی که دارید تقسیم بندی کنید و کار کنید. خلاصه می خوام بگم همینطور این باشه که برید سر کلاسی متن رو حل کنید و بیایید. این نمیشه اصلاً نمی دانه دغدغه ام را می تونم برسونم یا نه. کار زیاد دارید فکر نکنید وقتی رفتی سر درس خارج اونا یه چیزی میگن و شما مجتهد می شوید. از الان باید کار کنید که وقتی رفتی درس خارج بدونید باید دنبال چی بگردیم مطلوب این است که مثلاً قبل از درس خارج با قله شیخ و بعضی قله های قبل و بعد شیخ آشنا بشیم، که وقتی رفتی درس خارج بفهمید که این استادی که فلان بیان رو داره کجا هاش باکی میسازه کجا هاش باکی نمیسازه و کجاش ابتکارات خودش.

نکته قبل و تکمیل می کنم: سریع نرید بعد شیخ را ببینید. یکی از آسیب های بزرگ این است: استعجال دارند توی اینکه وقتی مکاسب خواندند، سریع برم سراغ شروح و حواشی مستقیم، بعد میرن سراغ شروح غیر مستقیم. اصلاً انگار نه انگار قبل شیخ بزرگانی هستند که اتفاقاً شیخ و شانه آنها ایستاده و شده شیخ. یعنی بعضی سریع در مرحله اول میرند شروح و حواشی مستقیم را می بینند و سریع میرن سراغ امام و آقای خوبی. این اصلاً کار فنی نیست. حداقل حداقلش این است که دو سه درس رو روی قبل شیخ وقت بگذارید تازه بتوانید حرف شیخ خوب فهمید. برای رسیدن به فقاہت شیخ یکی از کارهای مهم این است که بدونید شیخ چه کسانی را در فقه قله می داند. تازه می فهمید که چرا آقای بهجت فرمود شیخ انصاری از تدبر در عبارات محقق و علامه است که شیخ شد. خوب این یعنی چه؟ یعنی باید بدانید که شیخ روی شانه کی ایستاده چرا شیخ اینقدر به کاشف الغطا عنایت دارند و خیلی به صاحب جواهر کم اعتنا هستند. خوب اینا رو باید تحلیل داشته باشید. مرحله اولش این است که هر جا شیخ کتاب مکاسب نقل قول میکنه برید کتاب رو ببینید حالا آیا همیشه و همه جا؟ خیر. در چندتا درس، چند بحث، چند ماه روی این تمرکز کنید. مثلاً میگه من توی این دو ماه تمرکز روی شروح و حواشی نیست بلکه تمرکز روی اینکه شیخ از هر کی نقل میکنه من برم اصل کتاب را ببینم. آیا با واسطه نقل کرده و بی واسطه؟ اگر غلط نقل کرده، چرا غلط نکرده؟ بعد آرام آرام برم سراغ اینکه شیخ چطوری تامل کرده است؟ یعنی وقتی روی **مصدریابی** مسلط شدی بری سراغ اینکه چطوری شیخ داره این رو حلایه میکنه آیا شیخ درست تحلیل میکنه یا نمیکنه اصلاً جایگاه متون فقها در خواهد شیخ چیست؟ مثلاً آقای خوبی اصلاً عنایت خاصی به اقوال و استدلال دیگران ندارد ولی برای شیخ انصاری و مکتب قم خیلی حرف علمای قبل در مسئله مهم است. اینا براشون قرینه هایی می شود. اصلاً شیخ چرا اینقدر نقل قول میکند؟ آیا بیکار بودند؟ و حوصله داشتند؟ واقعاً این ها در فقاہت شیخ موثر بوده؟ بررسی آماری کردیم که شیخ به چه کتاب هایی بیشتر ناظر بوده. یه مقدار در کارگاه گفتیم ولی تتبعی که از کل مکاسب انجام شده و خدا لطف کرد و کار ساده هم نبود: ده کتاب هست که شیخ خیلی نقل می کنند به ترتیب ذکر می کنم:

- ۱- تذکره الفقها علامه حلی از همه بیشتر است و همین که اطلاع دارید که شیخ اینقدر به تذکره عنایت داشته دیگه تذکره همیشه میزاری دم دست.
- ۲- جامع المقاصد.
- ۳- مسالک شهید ثانی.
- ۴- مبسوط شیخ طوسی.
- ۵- قواعد علامه. (خیلی مهم است)
- ۶- سرائر ابن ادریس.

۷- دروس.

۸- ایضاح.

۹- مختلف علامه.

می‌بینید علامه و محقق چقدر پررنگ هستند. همون حرف آقای بهجت فرمودند شیخ از تدبر روی کتب علامه و محقق شیخ شد. میشود گفت عنایت شیخ به علامه بی‌نظیر است. اینایی که گفتم از لحاظ کمی بود که شیخ نقل کرده بودند.

در مکاسب یکی از کارهای مهم همین است: روی تاریخ فقه تحلیل فقهها و مکاتب فقهی کار کنید. یه سری کتاب است که معاصرین نوشتند و دغدغه و ایده‌های به شما می‌دهند که آرام آرام می‌توانید از دل مکاتب اصطیاد کنید مثلاً بحث مکان و زمان که امام فرمودند نقش مکان زمان در استنباط یکی از جاهای مهمش مکاسب شیخ است. چرا؟ چون معاملات خیلی مرتبط با مباحثی است که زمان و مکان خیلی توش تاثیر دارد بر خلاف عبادات که کمتر اینطور است.

معرفی_کتابچه

۱- نقش مکان و زمان در استنباط از نگاه امام و شهید صدر، دانشگاه امام صادق علیه السلام

۲- درآمدی بر رویکرد حکومتی به فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

۳- فقه المسائل المستحدثه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

۴- فلسفه فقه از نگاه امام، نوشته احمد ضرابی

۵- معیار احکام ثابت و متغیر

۶- مفهوم و حجیت مذاق شریعت، بوستان کتاب

۷- مکتب آقای بروجردی، بوستان کتاب

۸- اخباری‌گری، دارالحدیث

این کتاب‌هایی است که می‌تواند ایده و مسئله‌های جالبی براتون داشته باشد و بدونید تو مکاسب باید دنبال چی‌ها بگردید.

این تازه می‌شود جنبه بحث فقاهاست یک پایه دیگر بحث موضوع شناسی است. توضیح مفصل دارد همچنین مجتهد شدن در رجال و اصول. یا کاربردی کار کردن در مقدمات بعیده اجتهاد. مثلاً موضوع شناسی خیلی نمی‌خواهم اذیتتون کنم ولی اگر بتوانید دو سه تا از بحث‌هایی که مکاسب المحرمه داره به تناسب برید موضوع شناسی مفصل بکنید، خیلی خوب است. مثلاً یک مثالی که خود آقا برای مردم شناسی مطرح کردند هویت پول است.

نکته: فصل سوم طلبگی با خودتون تعیین و تکلیف کنید که با غم می‌خواهید به کجا برسید رودرواسی و توهم نداشته باشید البته تا مشخص نشده محکم درس بخونید چون چیزی از دست نمیدی.

در مورد رسائل:

رسائل و مکاسب فرق بنیادین دارد. مکاسب زمانی نوشته شد که فقه شیعه، به پختگی خیلی خوبی رسیده بود و شیخ عملاً امتداد آنهاست. هویت مؤسس بودن شیخ در رسائل خودش را نشان میدهد. ما قبل از شیخ انقدر اصول پخته و رشد کرده نداشتیم. شیخ اصول را خیلی جلو بردند و این از یک سو اهمیت رسائل است و از یک سو سختی رسائل است. مکاسب خیلی روان تر از وسایل است. جالب است بدانید شیخ در رسائل، خیلی از کتب فقهی نقل می کنند.

حالا رسائل با کفایت چه فرقی دارد؟ کفایه تقریباً همیشه گفت چکیده الوصول است. حرفی که شیخ در ۱۰ صفحه زده، آخوند در پنج زده. رسائل پیچیدگی های خاص دارد چون در مقام تولید علم است لذا رسیدن به نظر نهایی شیخ در رسائل اصلاً کار راحتی نیست و خیلی هم اهمیت دارد چون همه فقهای بعدی که خواستن نظرشون رو بدن تصور و فهمی از شیخ داشتند که بر پایه آن فهم و تصور، نظرشون رو دادن. کلاً اگر شیخ و آخوند رو خوب بفهمید، تقریباً میتونم بگم ۶۰ ۷۰ درصد بعد آخوند و شیخ رو واقعاً فهمیدی. تمرکز توی فهم رسائل باید خیلی زیاد باشد خلاصه اینکه شیخ آخرش چی گفت در رسائل جمع بندی خیلی خیلی مهم است جمع بندی ولی در مکاسب اصل مهم است و نظر نهایی شیخ در فقه که مهم نیست بلکه فقاقت شیخ مهم است ولی در رسائل، اتفاقاً نظر نهایی شیخ مهم است، چرا؟ چون همین نظر نهایی خود فقاقت هست که بعد میره فقه. پس نظر آخر شیخ در رسائل خیلی مهم است. رسائل رو خیلی جدی بخونید مخصوص جلد اولش + اوایل جلد دومش چون قطع و ظن است و این دو را خیلی خیلی جدی بخوانیم. اگر به من بود می گفتم قطع و ظن را در سه درس بخوانید و بقیه را توی یکی دو تا درس، سریع تر بخوانید. خواهید دید که قطع و ظن چقدر مهم است + تعارض این سه بحث خیلی مهم است. پایه فکر و نظام فکری شیخ در این قطع و ظن ریخته می شود. می ارزد که کار جدی بکنید به درد بحث فقاقت هم خیلی خورد.

نکته: قله های اصول مثل فقه که بگیم فلانی در اصول چی فهمیده، اصلاً برای ما موضوعیت ندارد الا از این بابت که مثلاً تو می خوای به فقاقت علامه برسی و علامه، اصول هم نوشته و تو برای اینکه به فقاقت علامه برسی، اصول علامه برات مهم میشه.

رفت و برگشت بین متن اصول شیخ و روح فقه شیخ. روح فقه شیخ یعنی همان فقاقت و پشت صحنه ای که شیخ داره اعمال میکنه. آن پشت صحنه فقه، با ظاهر اصول باید مچ بشود، همسو بشود. مثلاً شیخ در اصول درباره اجماع چه گفتند؟ و چطوری در باطن فقهش اعمال کرد؟ اینکه شیخ چی میگی خیلی مهم است چون بعدی های شیخ همه ناظر به شیخ حرف زدن. شیخ و آخوند را بفهمید بعدی ها رو هم می فهمید. یعنی در اصول نگاه همه رو به جلو هست ولی در فقه نگاه ها رو به عقب است.

پس یکی اینکه نظر نهایی شیخ در رسائل شفاف شود خیلی مهم است.

در اصول چیزی که خیلی مهم است: آن رویکرد به اصول است نه روش رسیدن به یک نتیجه (که از آیات استفاده کرد یا روایات یا ...)

مثلاً رویکرد بعضی در اصول عقلی است و بعضی عقلایی است. اما گفتند رویکرد اصول امام عبد و مولی محور است. قانون محور است. رویکرد در اصول، تأثیرات فوق العاده می‌گذارد. رویکرد در اصول خیلی مهم است شما میخواهید ببینید رویکرد شیخ عقلی است یا عقلایی چکار باید بکنید؟ مثلاً باید ببینید در نهایت چطور گفتن خبر واحد حجت است یا حجت نیست آیا اجماع و قدرت و شهرت و غیره رو چی گفت. وقتی اینا رو کنار هم بگذارید نمی‌بینید ایشان خیلی پای عقلا رو کشید است ولی آقای خویی خیلی تعبد را وسط کشید.

رویکرد خطابات قانونی امام چون مهم است من تأکید می‌کنم چون یک رویکرد عامی است که کل فقه و اصول را در بر می‌گیرد و می‌تواند نوع نگاه ما را تغییر بدهد. اساس نسبت عبد و مولا را کاوش می‌کند و نتایج فقهی و اصولی فراوان از آن می‌گیرد. بعضی بزرگان قائلند: خطابات قانونیه امام، می‌تواند مسیر اصول ما را به سمت مطلوبی پیش ببرد. اصول فقه حکومتی می‌تواند به رویکرد باشد.

معرفی_کتابچه

۱- اصول فقه حکومتی مجموعه مصاحبه هایست. یکی از محورهای اساسی اصول فقه حکومتی

به نظرم میتونه خطابات قانونیه امام باشد. خطابات قانونیه امام می‌تواند کل فقه و اصول را از حالت جزیره‌ای در بیاورد و در یک نظام یکپارچه تصویر کند. آقای سیستانی از کسانی هستند که قصد دارند خطابات قانونیه امام را جلو ببرند و بسط بدهند.

۲- الخطابات القانونیه درسهایی آقای فاضل است کتاب خوبی است

۳- خطابات قانونی از دیدگاه امام خمینی و مشهور اصولیون دفتر نشر آثار امام عبدالرضا فرهادیان.

۴- دفتر نشر امام یک خطابات قانونی زد که مجموعه مصاحبات است.

۵- نظریه اعتبار قانونی، کرده خطابات قانونیه آقای سیستانی را توضیح دهد.

خود حضرت آقا نکات جالبی در مورد اصول دارند مثلاً می‌فرمایند: اصول ما خیلی تو خودش تنیده به نظرم اساسی ترین حرفی که میشه زد رو خود آقا گفتند؛ آقا می‌فرمایند همون فقهائتی که در فقه می‌گیم، اصول مطلوب همین فقهات هست. یعنی شما اصول رو طوری بنویسید که همین زحماتی که مجبوری تو فقه بکشی، همون اصول فرایند استنباط رو دست بده.

تمرکز تون رو بزارید روی فهم نگاهی که آقا به خصوص اول دارند این رو تأکید می‌کنم چون آقا نیازهای امروز جامعه و جهان و جوان‌ها و آینده و غیره را می‌بینند و بعد می‌گویند حوزه چقدر ظرفیت دارد که اینارو تامین بکند چرا نمی‌کند.

مباحث بینشی اصول را کار کنید؛ کتاب تاریخ علم اصول، مخصوص کتاب خوبی است. من اگر اجمالاً بخوام بگم؛ ما در اصول قبل از شیخ می‌تونیم تراث را در ۵ دسته جمع بندی کنیم (یعنی می‌خوام بگم شیخ در اصول ناظر به چه کسانی هستن).

- ۱- مدرسه بغداد به طور خاص سید مرتضی (الذریعه) و شیخ طوسی (عده الاصول).
✓ این دو تا پایه اصلی اصول شیعه است.
- ۲- مدرسه هلت به طور خاص محقق حلی (معارف الاصول) و علامه حلی (نهایه الاصول)
- ۳- مدرسه جبل عامل به طور خاص شهید ثانی (مقدمه تمهید القواعد) + پسرشون (معالم)
✓ این شش کتاب اصلی قبل از اخباری گری است دو کتاب هم در عصر اخباری گری است
- ۴- اخباری گری به طور خاص صاحب وسائل (الفصول المهمه) و همچنین اصولیون عصر اخباریون کتب مهمی دارند از جمله؛ (وافیه) مال فاضل تونی.
- ۵- عصر مجتهدین یعنی از وحید به بعد (قبل شیخ) دو تا کتاب مهم هست. (قوانین) میرزای قمی و (فصول) مرحوم اصفهانی.

نکته: رسائل شیخ ناظر به این کتاب‌هایی است که عرض کردم به طور جدی، ولی ابتکار شیخ این نبود که بیاد همه اونایی که در کتب اصولی هست رو بالا پایین کنه و یه نظر بده. شیخ رفته از لابلای کتب فقهی مسئله اصولی اصطیاد کرده. علاوه بر اینکه بر تراث اصولی قدما مسلط است. این هنر شیخ است. فقه شیخ خیلی واقعی‌تر از آخوند است اصول شیخ از دل فقه میجوشد، واقعی است. همان مراحل‌حلی که در مکاسب گفتم تقریباً در رسایل هم هست:

- ۱- انس با رسائل خیلی مهم است.
 - ۲- انس با حواشی توضیحی.
- از حواشی توضیحی خیلی خیلی خوب توصیه می‌کنم همه این رو بگیرید و بخونید؛ شرح آفای اعتمادیه (شرح الرسائل). واقعا عالی است ایشان رسایل را خوردن، شرح مزجی کردن، خیلی کمک می‌کند به فهم رسایل. البته نمیگم هرچی گفته درسته ولی خیلی کمک می‌کند. حاشیه اوثق معروف که حاشیه خوب و توضیحی است.

نکته: شیخ چند شاگرد داشتند که به رمزگشایی رسایل خیلی کمک می‌کنند:

- ۱- میرزای آشتیانی (کتاب بحر الفوائد) شرح رسائل است. نمیگم حتما بخونید.
- ۲- میرزا حبیب الله رشتی (کتاب بدائع الافکار) کتاب مستقلى است ولی یه وقتایی قرائن خوبی داره.
- ۳- خود آخوند خراسانی حاشیه بر رسائل دارند (درر الفوائد) حاشیه های سخت و انتقادی و مهم است.

نکته: خود صاحب عروه حاشیه بر رسائل دارند ولی حاشیه اجتهادی و انتقاداتی است. به نظرم شما اول تمرکز دارویی "شرح آقای اعتمادی" باشد باشد و تا حدی روی "اوثق" ببرید و به رجوعاتی به "بحر" داشته باشید

آقای موسوی تهرانی از اساتید معروف تدریس رسائل هستند ولی اونایی که من میشناسم و بهشون اعتماد دارم و روی ایشان کار کرده بودند خیلی تعریف نمی کردند.

ببینید توی رسایل، شما چند روز وقت بزاری خودت میتونی به یک درکی از شیخ برسید. کار سختی هست ولی میتونی بررسی. ولی یک نقاط کوری هست که ظاهراً آقای موسوی تهرانی خیلی بازنمیکند. البته برداشت من است. یه شرح فارسی و حاشیه عربی هم دارند. حالا چرا ایشون رو معرفی کردم؟ آخرین میحظ ظن، بحث انسداد است که غالباً درس نمی دهند و البته خیلی مهم است. نکته اینکه آقای تهرانی اینجا رو درس دادند و میتونه به دردتون بخوره.

خلاصه در رسائل حتماً باید جمع‌بندی بشود به آنچه در نهایت آنچه در رسایل مهم است، رسیدن به دستگاه اصولی شیخ است.

* وصلى الله على سيدنا و نبينا *